

نقش شهرهای جهانی در نظام جهانی با تأکید بر اندیشه جان رنه شورت و پیترو تیلور

نرجس سادات حسینی نصرآبادی* - دانش‌آموخته دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۲۷

چکیده

هدف از مقاله حاضر برجسته‌کردن نقش «شهرهای جهانی» است. امروزه، به واسطه افزایش نقش سیاسی و استراتژیک شهرها، «شهرهای جهانی» به کانون مطالعات در جغرافیای سیاسی تبدیل شده‌اند و به‌عنوان بازیگران اساسی در نظام بین‌الملل به ایفای نقش می‌پردازند. اما اینکه چگونه پدیده شهر از نگاه جغرافی‌دانان سیاسی مورد مطالعه قرار می‌گیرد پرسشی است که مقاله حاضر همراه با تحلیل نظریه‌ها و دیدگاه‌های دو تن از برجسته‌ترین جغرافی‌دانان سیاسی - که در تحقیقات خود به تعریف و نقش شهرهای جهانی (با تأکید بر ابعاد سیاسی فضای شهری و اقتصاد شهری تمرکز یافته‌اند) پرداخته‌اند - درصدد پاسخ به آن است. نتایج این تحقیق با روش توصیفی - تحلیلی نشان می‌دهد پدیده شهر از سوی جغرافی‌دانان سیاسی با تأکید بر عناصر محوری سه‌گانه فضا، سیاست، و قدرت مطالعه و بررسی می‌شود. به اعتقاد جان رنه شورت، بیش از آنکه الگویی از رقابت بین جهان‌شهرها را برای سلطه بر جهان در ذهن آوریم، دقیق‌تر آن است که شبکه‌ای از جهان‌شهرها را مورد توجه قرار دهیم که در آن نظارت و سلطه اقتصادی فقط در چند شهر متمرکز است. همچنین، پیترو تیلور شهرهای جهانی را با توجه به ماهیت سیال و متحرک قدرت بین شهرهای جهانی و اینکه آن‌ها چگونه با توجه به ایدئولوژی (مقیاس ملی) و اقتصاد جهانی درون نظام جهانی تعامل برقرار می‌کنند، در رویکردی کل‌نگر، بررسی می‌کند. بنابراین، شهرهای جهانی، در نقش بازیگران رقابت‌کننده در جهان، معرف جایگاه و نقش دولت - ملت‌ها در روند توسعه تعاملات و مناسبات در ابعاد سه‌گانه اقتصاد، سیاست، و فرهنگ هستند.

کلیدواژه‌ها: پیترو تیلور، جان رنه شورت، جغرافیای سیاسی، جهانی‌شدن، شهرهای جهانی.

مقدمه

در کانون مطالعات جغرافیای سیاسی، ساختار سیاسی فضا، نظام سیاسی، الگوی فضایی توزیع قدرت در سلسله‌مراتب فضایی به‌ویژه شهر همچون روابط دولت با شهروندان در اداره امور کشور قرار می‌گیرد (کامران و همکاران، ۱۳۹۷: ۶). در واقع، جغرافیای جدیدی از «شهرنشینی سیاره‌ای» ایجاد شده است که در آن بعد اصلی مکانی درجاتی از کلان‌شهرسازی بین شهرهاست (تیلور، ۲۰۱۷)، زیرا شهر مهم‌ترین سطح فضایی درون‌کشوری است که قدرت ملی از آن سرچشمه می‌گیرد. شهر یکی از فضاهای انسان‌ساخت است که همواره از ابعاد مختلف مورد توجه بوده و در این میان سامان‌دهی و اداره فضای شهری به نحوی بارزتر و مشهودتر بررسی شده است. در واقع، شهر به‌مثابه بخشی از سلسله‌مراتب سیستم فضایی و تقسیمات سیاسی جغرافیایی هر کشور بر اساس مؤلفه‌هایی مانند نوع حکومت، مدیریت، سطح آگاهی، علاقه‌مندی اجتماعی و مشارکت مردم در نظام تصمیم‌گیری و غیره شکل می‌گیرد. سامان‌دهی فضای شهری با هدف اداره مطلوب امور روابط میان عناصر شهری را هماهنگ می‌کند؛ به‌گونه‌ای که پژوهش‌ها و مطالعه‌های بسیاری در یکی دو دهه اخیر انجام گرفته است (رضازاده و سلسله، ۱۳۸۹: ۱۲۷) که همه به نحوی جغرافیای سیاسی شهر را مد نظر قرار داده‌اند. بنابراین، در رشته جغرافیای سیاسی، شهرها از جمله پدیده‌های فضایی و از جایگاه ویژه‌ای در مطالعات جغرافیایی برخوردارند.

در واقع، جغرافی دانان سیاسی شهرهای بزرگ و فقیر در آسیا و آفریقا را نام می‌برند که پیوندیافتگی آن‌ها از لندن، نیویورک، هنگ‌کنگ، و سنگاپور بسیار کمتر است. ارزش‌های مطلق حاکی از شبکه‌ای است که تحت سلطه چندتایی شهر با پیوندهای بسیار است. از نظر آن‌ها، از شناسایی سیاه‌چاله‌ها و پیوندهای اتفاقی گرفته تا گره‌های شبکه جهانی شهرها قابل بررسی و مهم است. جهانی‌شدن فرایندی نابرابر است. شهرها به شیوه‌هایی متفاوت و به درجه‌هایی متفاوت جهانی می‌شوند. در عین حال که بسیاری از آثار منتشرشده بر سنجش نقاط همگرا در جهانی‌شدن تمرکز می‌کنند، قصد آن‌ها تغییر زاویه دید و به جای آن تمرکز بر شناسایی شهرهایی است که چنین می‌نماید دست‌کم در برخی از شکل‌های پیشرفته‌تر جهانی‌شدن اقتصاد آن‌ها را نادیده می‌گیرند. پژوهش‌های جغرافی دانان سیاسی درباره شهر جهانی به سه دلیل عمده انجام گرفته است:

اولین مورد کمبود داده‌های شهری با کیفیت خوب، قیاس‌پذیر، و بین‌المللی است. نابسندگی داده‌ها مانع نظریه‌پردازی درست و دقیق می‌شود. دومین مورد برای مشخص کردن جایگاه شهر جهانی بین تعداد بی‌شماری از شهرها به آثار پژوهشی‌ای محدود استناد می‌شود که درباره رئوس سلسله‌مراتب شهری‌اند. سومین مورد: بیشتر پژوهش‌ها جهانی‌شدن را دلیل اصلی هویت جهان‌شهری می‌دانند؛ در صورتی که ماهیت و طبیعت شهر هم نقش کلیدی دارد (حسینی، ۱۳۹۷: ۵۴). بنابراین، تبدیل‌شدن به شهر جهانی موضوع اصلی رقابت شهرهای جهان شده است. همه شهرهای بزرگ، که هدف آن‌ها طرح‌ریزی استراتژی‌های رونق‌گرایی شهری در مقیاس بین‌المللی است، به رقابت با هدف دستیابی به چنین موقعیتی مجازند. سیاست تبدیل‌شدن به شهر جهانی با اشاره به این نظریه حائز اهمیت است که جهانی‌شدن تکثیر مقیاس‌های سیاسی جغرافیایی و فضامندی‌ها را بسط داده و راه را برای ایجاد محل‌های مرکزی درحال ظهور هموار کرده است. رقابت‌پذیری ارتباط مستقیم با سرمایه‌های انسانی، بهره‌وری، توزیع اشتغال، سطح رفاه، و در نهایت کیفیت زندگی مردم دارد. در واقع، ارتباط بین رقابت‌پذیری و انگاشته‌های بیان‌شده دوسویه است؛ بدین معنا که شهرهای رقابت‌پذیر سطح بالایی از موارد گفته‌شده را دارند و وجود این مفاهیم نیز به رقابت‌پذیرتر شدن شهرها کمک می‌کند (محمدی و شاهپوندی، ۱۳۹۷: ۲).

هدف از انجام دادن مقاله حاضر بررسی نقش شهرهای جهانی است و اینکه بخش عمده مطالعات جغرافی دانان سیاسی را همین شهرها دربر می‌گیرد. البته، با تأکید بر اینکه یکی از مهم‌ترین محورهای مطالعاتی در جغرافیای سیاسی شهر اقتصاد و فرایندهای جهانی‌شدن است که در این مقاله با تأکید بر اندیشه‌های رنه شورت و تیلور بررسی می‌شود.

روش تحقیق

این پژوهش از نوع بنیادی و نظری است و شیوه تحلیل اطلاعات نیز توصیفی-تحلیلی مبتنی بر روش‌شناسی کیفی است. روش جمع‌آوری داده‌ها اسنادی و کتابخانه‌ای است. در این راستا، برای دستیابی به نتیجه‌ای درست و شفاف مبتنی بر استنتاج عقلانی، کوشش شده به تبیین جغرافیای سیاسی شهر به‌ویژه از دیدگاه دو جغرافی‌دان سیاسی مشهور، رنه شورت و تیلور، پرداخته شود. بنابراین، این تحقیق با به‌کارگیری متغیرهای اصلی مانند پدیده شهر، جهانی‌شدن، و سیاست درصدد دستیابی به نتیجه قابل‌تعمیم درباره جغرافیای سیاسی شهر است.

مبانی نظری

شهرهای جهانی

درواقع، از دیدگاه جغرافی‌دانان سیاسی، شهر بخشی از یک کشور است و شهروندان اجزای تشکیل‌دهنده جنبش‌های اجتماعی شهری‌اند و در عرصه سیاسی شهر نقش‌های متعددی ایفا می‌کنند (مویر، ۱۳۷۹: ۲۳۹). اتخاذ «رویکرد سامان‌دهی» مفهومی کاملاً سیاسی از شهر ارائه می‌دهد که توجهات را به روابط «جزء به کل» دولت و شهروندان جلب می‌کند. به‌رغم اینکه دولت از قدرت و حاکمیت سیاسی کامل در حوزه سرزمینی خود برخوردار است، این قدرت و حاکمیت نهایی در حقیقت از خواست جمعی شهروندانی ناشی می‌شود که در چارچوب حاکمیت دولت قرار دارند (جونز و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۲۷-۱۲۸).

«ناحیه شهری» هرگاه در قلمرو اراده سیاسی و فرمانروایی یک قدرت سیاسی قرار گیرد «ناحیه‌ای سیاسی» خواهد بود. قدرت سیاسی می‌تواند در یک فرد، یک نهاد، و یک نظام سیاسی یا حکومت یا در یک واحد سیاسی شهر عینیت یابد و به‌طور موردی یا همه‌جانبه، علاوه بر مدیریت عرصه فضای شهری، اراده خود را به اشکال گوناگون بر واحدهای سیاسی-فضایی فروتر یا فراتر از خود مانند کشور در جایگاه پایتخت و مرکزیت سیاسی-منطقه‌ای و جهانی اعمال کند و قلمروگستری نماید. «شهرهای جهانی» از جمله این مکان‌ها هستند که عملکرد بالایی به‌ویژه در عرصه اقتصادی و سیاسی دارند (فریدمن، ۱۹۹۵: ۲۲).

بدین ترتیب، مشاهده می‌شود جغرافیای سیاسی شهر بُعد سیاسی، فضایی، و جغرافیایی شهرها را مطالعه می‌کند. روشن‌تر آنکه شهرها اساساً پدیده سیاسی-فضایی‌اند و فعالیت مراکز اقتصادی و تعاملات مالی و تجاری و خدماتی نمی‌تواند متأثر از سیاست نباشد. «شهرهای جهانی»، که کارکردهای حکومت‌های سرزمینی را از آن‌ها می‌گیرند، ممکن است نشان‌دهنده اصلی این موضوع باشند که ما واقعاً در ابتدای گذار به نظام جهانی متفاوتی هستیم که دارای سیاست اساساً متفاوتی است (مویر، ۱۳۷۹: ۲۵۱). به بیان ساده‌تر، جهان‌شهرها نقاط اتصال‌اند که به‌عنوان مراکز نظارت عمل می‌کنند. این نظارت، بر کلاف به‌هم‌وابسته جریان‌های اطلاعاتی و مالی و جریان فرهنگی اعمال می‌شود. به‌علاوه، جهان‌شهرها فصل مشترک میان فضای محلی و جهانی محسوب می‌شوند (جانستون و همکاران، ۱۳۸۳: ۳۵۹). دیوید هاروی در اهمیت منطقه شهری آن را ماشین سیاسی قدرتمندی می‌داند که قادر به جمع‌آوری آرا و سایر اشکال و منابع قدرت، نظیر قدرت اقتصادی و فرهنگی و نوآوری به‌عنوان ابزار سلطه بر دیگر مناطق شهری است. به همین دلیل، وی رقابت میان مناطق شهری را نوعی «مبارزه ژئوپلیتیکی» قلمداد می‌کند (هاروی، ۱۳۸۷: ۲۳۸).

جغرافیای سیاسی شهر

مطالعات شهر با تأکید بر جنبه سیاسی و سیاست‌های شهری قدمت طولانی دارد. به‌عنوان مثال، از نظر ارسطو و افلاطون، از مجموع چند دهکده، «دولت‌شهر» یا به زبان یونانی «پلیس» تشکیل می‌شود. آن‌ها شهر را به‌مثابه یک جامعه سیاسی مورد مطالعه قرار می‌دهند که در آنجا طبیعت بالقوه آدمی می‌تواند فعلیت یابد و از کمال برخوردار شود (کامران و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۹۸). بنابراین، مطالعه شهر از زمان‌های قدیم بیشتر بر محور سیاست و برنامه‌ریزی‌های سیاسی در فضای شهری بوده است، چون شهر، مکان، و بستر رشد انسان در نظر گرفته می‌شده است. بنابراین، در دهه‌های اخیر، توجه بسیاری از جغرافی‌دانان سیاسی بر مقیاس‌های درون‌کشوری، از جمله شهر به‌عنوان یک فضای سیاسی مرتبط با سلسله‌مراتب فضایی گسترش بیشتری یافته است. به‌عنوان مثال، ایزایا بومن^۱ نقطه تمرکز جغرافیای سیاسی را تغییر داد و بر واحدهای درون‌کشوری (شهرها) نیز تأکید کرد (اگنیو، ۲۰۰۲: ۷۵). بنابراین، از دهه ۱۹۶۰، سیاست‌های شهری، از جمله مواردی بودند که توجه جغرافی‌دانان سیاسی (مانند ریچارد مویر، پیتر تیلور، جان رنه شورت و ...) را به خود جلب کردند و رویکردهای تخصصی مانند جغرافیای سیاسی شهری وارد حوزه جغرافیای سیاسی شدند و جغرافی‌دانان بسیاری به ارائه نظریات و دیدگاه‌های تخصصی در این زمینه مشغول شدند.

فلسفه مطرح‌شدن «شهر» در مطالعات حوزه جغرافیای سیاسی ناشی از کنش متقابل «سیاست» و «فضا» در عرصه فضایی شهر است و این سازوکار را می‌توان در دو محور زیر بیان کرد:

تأثیری که شهر بر سیاست‌های ملی، محلی، منطقه‌ای، و بین‌المللی دارد.

تأثیراتی که تصمیمات سیاسی سیاست‌گذاران مرتبط با شهرها شامل نهادهای حکومتی و غیرحکومتی بر فضای شهر دارد.

درواقع، شهر یک واحد اجتماعی و فضایی است که در آن سیاست و قدرت ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند. درواقع، شهر و حوزه‌های مطالعاتی آن عرصه فعلی مطالعات سیاسی در جغرافیا هستند (حسینی، ۱۳۹۷: ۲۳۳).

به‌طور کلی، می‌توان دایره مطالعاتی شهر در جغرافیای سیاسی را به روابط شهر، قدرت، و سیاست با در نظر گرفتن نقش شهر در سلسله‌مراتب فضایی خلاصه کرد (جدول ۱).

جدول ۱. دایره مطالعاتی شهر در جغرافیای سیاسی

مقیاس مطالعه	فروملی
فضاهای اصلی	شهر، مناطق، محلات، حوزه‌های انتخاباتی
عناصر مطالعاتی	سرزمین، مرز، دولت، حاکمیت، شهروندان
ابعاد مطالعاتی	اقتصاد، سیاست، فرهنگ، و محیط زیست
شاخه‌ها و زوایای مطالعاتی	تقسیمات فضایی شهر، شوراها و شهرداری، مهاجرت‌های درونی و بیرونی، انتخابات شهری، مشارکت و توزیع فضایی قدرت، ناهمگونی قومی، سیستم و اجزای شهر، مدیران شهری، اکولوژی، هویت شهری، اقتصاد شهری

در این راستا، «جغرافیای سیاسی شهر» یکی از گرایش‌های جغرافیای سیاسی است که در صدد است با کشف نوع ارتباط سیاست و فضای شهر علاوه بر کشف نقاط ضعف به ارائه راه‌حل‌های اساسی در رشد و توسعه شهر کمک کند. به عبارت دیگر، به بررسی سیاسی شهر در بستر فضا می‌پردازد. شهرها عرصه سیاست‌گذاری‌اند و هیچ شهری به خودی خود اداره نمی‌شود و توسعه نمی‌یابد. یعنی اینکه شهرها حاصل فرایند پیچیده سیاست‌گذاری و سیاست‌های حاکم بر برنامه‌ریزی شهر در طول زمان‌اند. در مجموع، جغرافی‌دانان سیاسی برای مطالعه شهر به این امر توجه می‌کنند که شهر در

یک نظام سیاسی خاص چگونه اداره می‌شود (فلینت، ۲۰۰۸: ۱۹). در شهرهای معاصر، می‌توان ارتباط فضایی نزدیکی بین حیات سیاسی بشر و نقش آفرینی نیروها، کنشگران، و بازیگران شهری و حتی غیرشهری و همچنین بازتاب‌های فضایی متفاوتی که از طرف جریان‌ها و مکانیسم‌های حاکم بر محیط شهری قابل مشاهده‌اند تجسم کرد. مسلماً، این موضوع باعث می‌شود فضای شهری و در کل شهر به نوعی پدیده سیاسی- فضایی جدیدی تبدیل شود که دارای ماهیت متفاوتی نسبت به فضای شهری سنتی است و با توجه به ماهیت سیاسی- فضایی جدید خود مستلزم بررسی و مطالعات متفاوتی در چارچوب دانش جغرافیایی سیاسی باشد (روسی و وانولو، ۱۳۹۵: ۳-۵).

به‌طور کلی، جغرافیای سیاسی شهر به بررسی و مطالعه چگونگی سازمان‌دهی سیاسی شهر می‌پردازد و درصدد است راه‌های ایجاد شهری ایده‌آل را از مسیرهای جدید پیدا کند.

یافته‌های پژوهش

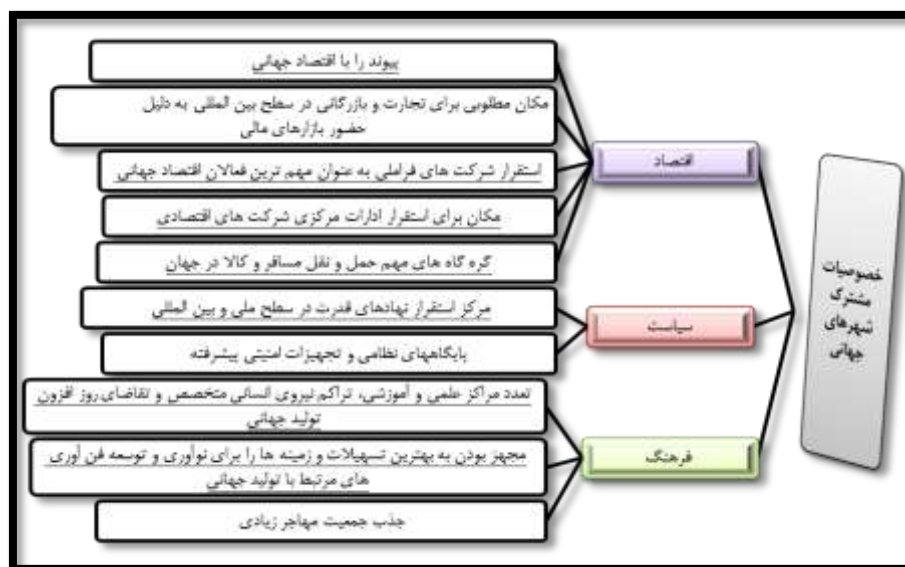
نقش شهرهای جهانی درون نظام جهانی با تأکید بر اندیشه جان رنه شورت و پیتر تیلور

امروزه، «شهرهای جهانی» در سطح جهانی، در بطن فعل و انفعالات فراملی، جنبش‌های فرهنگی، و دادوستدهای اقتصادی هستند و به‌عنوان نقاط ارتباطی جامعه جهانی و مکان‌های مهم تحولات اجتماعی و اقتصادی عرض اندام می‌کنند. بنابراین، نقاط اتصالی هستند که به‌عنوان مراکز نظارت عمل می‌کنند. این نظارت بر کلاف به‌هم‌وابسته جریان‌های اطلاعاتی و مالی و جریان فرهنگی اعمال می‌شود. به‌علاوه، این شهرها فصل مشترک میان فضای محلی و جهانی محسوب می‌شوند (جانستون و همکاران، ۱۳۸۳: ۳۵۹).

به عبارت دیگر، شهر جهانی کلان‌شهری است بین‌المللی، خوش‌ارتباط، مشارکتی، قطبی‌شده، ناهمگون، تأثیرگذار، جریان‌ساز، متعامل و بانفوذ که حداکثر زیرساخت‌های لازم شهری و ارتباطی را داراست و در یکی یا همه حوزه‌های اصلی جهانی‌شدن (اقتصاد، فرهنگ، و سیاست) بر یک منطقه ژئوپلیتیکی گسترده از یک یا چند قاره تسلط نسبی مستقل (مانند میامی با تسلط بر حوزه امریکای لاتین) یا مشترک (مانند هنگ‌کنگ و سنگاپور با تسلط در آسیا) دارد. مطالعات اثبات می‌کند شهرهای جهانی گره‌های سازمانی هستند و در جهانی‌سازی گره‌های قدرت‌اند (پارنریتر، ۲۰۱۷: ۸۷).

همچنین، حجم عمده ادبیات و الگوهای موجود شهر جهانی برای سنجش شواهد جهانی‌شدن شهرها در کشورهای در حال توسعه و بررسی وضعیت آن‌ها تلاش می‌کند تا چارچوب‌هایی را که در ارتباط با نمونه‌های نخستین این پدیده ایجاد شدند به کار برد. این در حالی است که موفقیت این شهرها نیز عمدتاً بر اساس معیارهای غربی مورد توجه قرار می‌گیرد که اصطلاحاً از این جریان تسلط و تحکم غربی در حوزه مباحث جهانی‌شدن و شهر یاد می‌شود. در مقابل، گروه درحال رشدی از محققان معتقدند ارتباط میان مفهوم شهر جهانی با موضوعات قدرت، بازیگران، و نهادهایی که در سطح جهانی عمل می‌کنند با اغراق همراه بوده و زمینه و احتمالات محلی دست‌کم گرفته شده است. بر این اساس، در فرایند تحلیل جهانی‌شدن شهرها در کشورهای در حال توسعه مناسب است تا بر اساس تجربه شهرهای جهانی غرب (نقش‌ها، موقعیت‌ها، و ظرفیت‌های متنوع و در نتیجه ابعاد، آثار، و پیامدهای متفاوت) حرکت نمود، زیرا در دو دهه اخیر مطالعه شهرهای جهانی یا شواهدی از شکل‌گیری شهرهای جهانی در کشورهای در حال توسعه حائز اهمیت شده‌اند.

به‌طور کلی، مفهوم شهرهای جهانی بیانگر چند ویژگی مهم است که سطح کارکردی و انحصار شهرها در داشتن آن‌ها مبنای تعیین سطح جهانی‌بودن آن‌هاست. گرچه این شرایط و ویژگی‌ها ممکن است در همه شهرهای جهانی وجود داشته باشد، همه شهرها لزوماً در داشتن آن‌ها یکسان نیستند (شکل ۱).



شکل ۱. ویژگی‌های عمومی شهرهای جهانی

به عبارت دیگر، شهر جهانی مرکزی مناسب برای سرازیری سرمایه و اطلاعات جهانی، دفاتر مرکزی، و شعبات شرکت‌های چندملیتی است. از این مرکز زیرمجموعه‌های تولیدی خود را در سراسر نقاط جهان هدایت می‌کنند. برای اجرای این امر، شرکت‌های فراملی به همکاری صنایع متفاوتی احتیاج دارند. برخی جغرافی‌دانان سیاسی از این صنایع به‌عنوان خدمات تولیدی یاد می‌کنند. آن‌ها از شاخص‌هایی نظیر تعداد خدمات تولیدی و دفاتر مرکزی شرکت‌ها برای رده‌بندی و ترسیم نقشه شهرهای جهانی استفاده می‌کنند. مدل جهانی شهر به‌عنوان یک مفهوم جغرافیای اقتصادی برای درک نقش فعالان اقتصادی ویژه در برخی از شهرها ایجاد شده است: شاخص کلیدی وضعیت جهانی شهر این است که آیا یک شهر دارای قابلیت‌های خدمات، مدیریت، و تأمین مالی در عملیات جهانی بنگاه‌ها و بازارها است. در واقع، بزرگ‌ترین و به‌هم‌پیوسته‌ترین شهرهای جهانی که دستور کارهای جهانی را تنظیم می‌کنند موجب مخاطرات زیست‌محیطی جهانی می‌شوند و مرکز ائتلاف جهانی‌اند. آن‌ها موتور رشد کشورهای خود و دروازه منابع برای منطقه خود هستند. این شهرها در زمینه فعالیت‌های تجاری، سرمایه‌انسانی، تبادل اطلاعات، تجربیات فرهنگی، و فعالیت‌های سیاسی مشخص شده‌اند. در صدر این رتبه‌بندی به ترتیب شهرهای نیویورک، لندن، پاریس، توکیو، و هنگ‌کنگ قرار می‌گیرند. شهرهای جهانی جدیدی نیز در حال شکل‌گیری‌اند، که در راستای آماده‌کردن حال و آینده کره زمین جهت جهانی‌شدن عمل می‌کنند. در مجموع، شهرهای جهانی در دوران کنونی به سه دلیل اهمیت روزافزونی پیدا کرده‌اند:

اهمیت جریان سرمایه جهانی؛

اهمیت کنترل و فرماندهی مسئولیت‌ها در اقتصاد جهانی نامتمرکز؛

اهمیت زیرساخت‌های فنی برای صنایع مالی و تجاری.

در واقع، تکنولوژی‌های جدید، ارتباطات مخابراتی، و فناوری اطلاعات به تمرکززدایی و انباشت فعالیت‌های اقتصادی منجر شد. این ترکیب فضایی و یکپارچگی جهانی نقطه عزیمتی است که موجب پیدایش نقش استراتژیک جدیدی برای شهرهای عمده و همچنین گونه جدیدی از شهرها شده است. رویکرد اصلی جغرافی‌دانان سیاسی در تعریف شهر جهانی با توجه به چرخه مجازی اقتصادی و چهار کارکرد جدید مشخص می‌شود؛ تقاضا جهت کنترل شهرها را به مراکز فرماندهی تبدیل کرد؛ این امر به ارائه خدمات مربوط به بخش مالی و تجاری شد و شهرها به مکان‌های کلیدی برای بخش

اقتصادی پیشرو تبدیل شدند. بنابراین، شهرها به محل‌های نوآوری و تولید تبدیل شدند. با نگاهی به شاخص‌ها، که مؤسسات مختلف و معتبر جهانی برای شناسایی شهرهای جهانی شناسایی کرده‌اند، فعالیت‌های اقتصادی از وزن و اهمیت بیشتری برخوردارند. در واقع، فعالیت‌های اقتصادی در کانون عملکردهای شهرهای جهانی قرار دارند (صادقی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۱۹). بنابراین، شهر به بستری برای جدال، مبارزه، و رقابت بر سر کسب قدرت تغییر ماهیت داد. این جدال و رقابت در شبکه شهرهای جوامع توسعه‌یافته با انقلاب صنعتی و در نتیجه گسترش روابط شهر و روستا و قوام و توسعه شبکه شهرها در همه ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی-نهادی، و فیزیکی به‌وقوع پیوسته است؛ حال آنکه در کشورهای در حال توسعه (که تحت سلطه اقتصادی، سیاسی، و فرهنگی غرب بوده‌اند یا هنوز نیز هستند) روند عدم تعادل در شبکه شهری در آغاز در شرایط سلطه اقتصادی و سیاسی یا در عمل با غیبت نسبی و تأثیر بسیار ناچیز توسعه صنعتی و به‌صورت کاملاً ناقص و شتاب‌زده به‌وقوع پیوسته است (محمدی و شاهپوندی، ۱۳۹۷: ۲).

بنابراین، طیف جدید متخصصان جغرافیای سیاسی مسائلی مانند رابطه میان گروه‌های قدرت و دستگاه سیاست‌گذار در سطوح مختلف حکومتی و افرادی که این دستگاه را به حرکت درمی‌آورند، چگونگی تعامل عوامل مختلف در فرایند تصمیم‌گیری، چگونگی به‌وجود آمدن ائتلاف‌ها و همبستگی‌ها توسط این عوامل و چگونگی معامله، تعهد نسبت به هم و تهدید یکدیگر را تحلیل می‌کنند. در واقع، تقسیم‌بندی بین‌المللی جدید نیروی کار به سلسله‌مراتب مکانی منجر شده است که در رأس آن شهرهای جهانی قرار دارد (ویسی، ۱۳۹۴: ۲۵۴).

با توجه به اهمیت شهر جهانی به‌عنوان پدیده‌ای فضایی-سیاسی، در زیر به مطالعات دو تن از جغرافی‌دانان سیاسی، رنه شورت و تیلور، که درباره شهر نظریه‌پردازی کرده‌اند، اشاره می‌شود.

اندیشه جان رنه شورت

جان رنه شورت^۱ بر آن است که جهانی‌شدن، مانند سایر موضوعات هیجان‌انگیز جدید، توجه زیادی را به خود جلب کرده که بیشتر آن نامشخص و مبهم است. پیچیدگی‌ها و ابهامات آن مورد انتظار بوده و هنوز در حال کشف و شناخته‌شدن است. با این حال، به سبب غلبه گرایش‌های پسامدرن در بیشتر نوشته‌های علوم اجتماعی، بر مشاهدات تجربی کمتر تأکید شده است. اظهارنظرهای تخمینی زیادی درباره دنیای در حال جهانی‌شدن یا ارتباط جهانی شهری وجود دارد، اما نمونه‌های کمتری از سنجش میزان جهانی‌شدن وجود دارد. ایده‌ها و عقاید بیش از آنکه تبیین شوند مورد تأکید قرار می‌گیرند. برای همین است که آن‌ها از «راز کوچک پژوهش شهر جهانی» یاد می‌کنند. البته، بخشی از مشکل مربوط به میزان دسترسی به اطلاعات می‌شود. اطلاعات خوب احتمالاً گرایش بین‌المللی ندارند و اطلاعات بین‌المللی نیز از گرایش شهری فاصله می‌گیرند (شورت و کیم، ۲۰۰۷: ۱۳). به گفته جان رنه شورت، تأثیرات فشرده‌گی زمان و مکان بر نظام‌های شهری در عصر جهانی‌شدن عبارت‌اند از:

انقراض نظام سلسله‌مراتب شهری؛

کوچک شدن شبکه شهر یا نزدیکی بیشتر شهرهای بزرگ و کوچک از نظر زمان و مکان.

شورت به سه عنصر در قدرت اقتصادی شهرها توجه می‌کند:

بازار؛

شرکت‌های بزرگ؛

بانک‌های بزرگ.

شورت در کتاب *کلان‌شهرهای جهانی*، روند داده‌ها را در طول زمان بررسی می‌کند تا به برداشتی از مسیر دگرگونی دست یابد. در عین حال که داده‌ها جایگاه نیویورک، لندن، و توکیو را تأکید می‌کند، افول نسبی لندن و رشد نسبی دیگر شهرهای اروپایی، به‌ویژه پاریس و فرانکفورت، را نیز نشان می‌دهد. وی بیان می‌کند، به‌رغم پراکندگی کند در طول سی سال گذشته، سهم بزرگی از کارکردهای فرماندهی همچنان فقط در چند شهر متمرکز است و همچنین، بیش از آنکه الگویی از رقابت بین جهان‌شهرها را برای سلطه بر جهان در ذهن آوریم، دقیق‌تر آن است که شبکه‌ای از جهان‌شهرها را مورد توجه قرار دهیم که در آن نظارت و سلطه اقتصادی فقط در چند شهر متمرکز است، اما دامنه عمل این قدرت از طریق کارخانه‌های وابسته و دفترهای پشتیبانی در رده‌های دوم و سوم سلسله‌مراتب جهان‌شهرها پراکنده است. نیویورک، لندن، و توکیو همچنان مراکز تجمع کارکردهای فرماندهی اقتصاد جهانی‌اند. این سه شهر بیشترین فعالیت‌های داد و ستد در بازارهای بورس سراسر جهان را به خود اختصاص می‌دهند. پایین‌تر از این سه شهر بزرگ جهانی، مراکز فرماندهی ملی در کشورهای منفرد همچون نقطه اصلی نفوذ سرمایه جهانی عمل می‌کنند. بنابراین، در عین اینکه سه شهر بزرگ جهانی موجود است، مراکز جهانی ملی همچون سیدنی نیز هست که دارای چند مرکز فرماندهی جهانی به شکل دفترهای ریاست بانک‌ها و شرکت‌های جهانی است و تعداد بسیاری از دفاتر منطقه‌ای و محلی شرکت‌های جهانی. بنابراین، سلسله‌مراتب شهرهای جهانی شبکه‌ای از جریان‌هایی است که کارکردهای فرماندهی جهانی را به سراسر جهان انتقال می‌دهد. آن‌ها دارای زیرساختی متشکل از مراکز متصل به هم داد و ستدند که شامل توده‌ای از تقاضا و عرضه، محیطی برای نوآوری، خدمات پشتیبانی از کسب و کار، گنجینه‌ای از کارگر بسیار ماهر، و همجواری سازمان‌های کسب و کار است و گردآوری، تحلیل، و اشاعه اطلاعات را امکان‌پذیر می‌کند و داد و ستد را تحت تأثیر قرار می‌دهد و همگی درون فرهنگ مشترک تخصص گرد می‌آید و رشته پیوندی از تماس‌های درون‌متنی حتی گسترده‌تر برقرار می‌شود که شامل بازار منضبط، داد و ستد ارزهای گوناگون، و نظام پاسخ‌گوی بانک مرکزی و حکومت در خصوص تنظیم و نظارت اقتصادی است (شورت و کیم، ۲۰۰۷: ۴۲). شورت بر آن است که شهر صرفاً ساختگاه داد و ستدهای اقتصادی نیست؛ مکان تصویرسازی‌های جهانی هم هست. شهرهای جهانی‌شده همان قدر که مکان‌هایی بر روی نقشه‌اند، کنش‌های تخیل و پندارند؛ آن‌ها فضایی برهانی و نیز جغرافیایی را اشغال می‌کنند. در جهانی آکنده از سرمایه بیش-متحرک و رقابت جهانی بین شهرها بازتصویرسازی از شهرها فرایندی فعال است که شهر را از لحاظ داخل و خارج بازنمایی می‌کند. وی می‌گوید: بزرگ‌ترین شهرها در جهان تقریباً جهانی‌شده‌ترین شهرها نیز هستند، اما همه شهرهای بزرگ جهان‌شهر نیستند (شورت، ۱۳۹۶). این شهرها، تا حد زیادی، بازنمود آنچه می‌توان اصطلاح شهرنشینی جهان‌سومی را درباره آن‌ها به کار برد هستند. بنا به گفته بانک جهانی، همه این شهرها در اوضاعی اقتصادی با درآمدهای پایین و پایین تا متوسط قرار دارند (جدول ۱).

جدول ۲. غیر جهان شهرهای بزرگ از نظر شورت

ردیف	شهر	کشور	جمعیت شهر
۱	تهران	ایران	۱۰۷۰۰۰۰
۲	داکا	بنگلادش	۹۹۵۰۰۰۰
۳	خارطوم	سودان	۷۳۰۰۰۰۰
۴	چونگ کینگ	چین	۶۷۵۰۰۰۰
۵	کینشازا	کنگو	۶۱۵۰۰۰۰
۶	لاهور	پاکستان	۵۹۵۰۰۰۰
۷	حیدرآباد	هندوستان	۵۸۵۰۰۰۰
۸	سن پترزبورگ	روسیه	۵۵۵۰۰۰۰
۹	تیان چین	چین	۵۴۵۰۰۰۰
۱۰	ناگویا	ژاپن	۵۱۵۰۰۰۰
۱۱	بغداد	عراق	۴۹۵۰۰۰۰
۱۲	اسکندریه	مصر	۴۸۵۰۰۰۰
۱۳	احمدآباد	هندوستان	۴۶۵۰۰۰۰
۱۴	رانگون	میانمار	۴۶۵۰۰۰۰
۱۵	ووهان	چین	۴۵۰۰۰۰۰
۱۶	بلو هوریزونت	برزیل	۴۴۵۰۰۰۰
۱۷	هربین	چین	۴۳۵۰۰۰۰
۱۸	شن یانگ	چین	۴۳۵۰۰۰۰
۱۹	الجزیره	الجزایر	۳۹۵۰۰۰۰
۲۰	گواد الاخارا	مکزیک	۳۹۵۰۰۰۰
۲۱	پوسان	کره جنوبی	۳۹۵۰۰۰۰
۲۲	آبیجان	ساحل عاج	۳۸۵۰۰۰۰
۲۳	مدلین	کلمبیا	۳۸۵۰۰۰۰
۲۵	پونا	هندوستان	۳۸۵۰۰۰۰
۲۶	پورتو الگره	برزیل	۳۶۵۰۰۰۰
۲۷	چنگ دو	چین	۳۵۵۰۰۰۰
۲۸	مونتری	مکزیک	۳۵۵۰۰۰۰
۲۹	پیونگ یانگ	کره شمالی	۳۵۵۰۰۰۰
۳۰	فونیکس	امریکا	۳۴۵۰۰۰۰
۳۱	رسیفه	برزیل	۳۴۵۰۰۰۰
۳۲	آنکارا	ترکیه	۳۴۰۰۰۰۰
۳۳	سالوادور	برزیل	۳۲۰۰۰۰۰
۳۴	کالی	کلمبیا	۳۱۵۰۰۰۰
۳۵	چیتاگونگ	بنگلادش	۳۱۰۰۰۰۰
۳۶	نان جین	چین	۳۰۵۰۰۰۰

منبع: شورت، ۱۳۹۶: ۱۰۰

شورت بیان می‌کند: هر شهر بزرگی جهان شهر نیست، زیرا جهان شهر فضای ملی را در یک شهر یا بیشتر به اشتراک می‌گذارد که به منزله دروازه‌ای در امر پیوندهای جهانی عمل می‌کنند. مثلاً، ناگویا و اسکندریه شهرهای بزرگی اند بدون جایگاه جهان شهری در نظام ملی شهری‌ای که در آن، به ترتیب، توکیو و قاهره آن وظیفه را دارند. در عین حال که پیوند بین اقتصادهای ملی و شهری بدین سادگی نیست که بیشتر اقتصاددانان به ما می‌باوراند یا بیشتر آمارهای ملی آن را مسلم می‌گیرند، پیوند جهانی شهرها تحت تأثیر حضور دیگر شهرها در اقتصاد فضای ملی واحدی است. دلایلی چند در پشت جایگاه غیرجهان شهری این شهرهای بسیار بزرگ هست. شورت پنج دلیل را مطرح می‌کند:



شکل ۲. دلایل غیر جهان شهر بودن از نظر شورت

بنابراین، جایگاه غیرجهان شهری تا حد زیادی بازتاب فقر است. برخی شهرها، به‌رغم اندازه‌شان، چنان فقیرند که بازاری برای خدمات تولیدگر پیشرفته عرضه نمی‌کنند. آن‌ها، با توجه به جمعیت بسیار زیاد، اما نبود مصرف‌کنندگان مرفه یا مجموعه‌های صنعتی برای پشتیبانی از خدمات تولیدگر پیچیده سیاه‌چاله‌های سرمایه‌داری پیشرفته جهانی‌اند. بنا بر تعریف بانک جهانی، هشت شهر از یازده شهر (جدول ۳) در کشورهایی با درآمد پایین و سه شهر (تهران، بغداد، و الجزیره) در مقوله درآمد پایین تا متوسط قرار دارند. بانک جهانی کشورها را بر اساس درآمد سرانه ناخالص ملی در چهار مقوله رده‌بندی می‌کند: پایین، پایین تا متوسط، بالاتر از متوسط و بالا. همگی شهرهای این جدول در دو مقوله پایینی‌اند. ارزش‌های مطلق^۱ سرانه درآمد ناخالص ملی در جدول ۴ نشان داده شده است. این شهرها در برخی از فقیرترین کشورهای جهان قرار دارند. کینشازا پایتخت کنگویی است که سرانه درآمد ناخالص ملی آن در سال ۲۰۰۰ رقم رقت‌انگیز ۱۱۰ دلار بود.

جدول ۳. سیاه‌چاله‌ها

شهر	کشور	جمعیت	جایگاه در طبقه‌بندی بانک جهانی	میزان ریسک‌پذیری
تهران	ایران	۱۰۷۰۰۰۰۰	پایین تا متوسط	بالا
داکا	بنگلادش	۹۹۵۰۰۰۰	پایین	چشم‌گیر
خارطوم	سودان	۷۳۰۰۰۰۰	پایین	بسیار بالا
کینشازا	کنگو	۶۵۰۰۰۰۰	پایین	بالاترین حد
لاهور	پاکستان	۵۵۰۰۰۰۰	پایین	بالا
بغداد	عراق	۴۹۵۰۰۰۰	پایین تا متوسط	بالاترین حد
رانگون	میانمار	۴۶۵۰۰۰۰	پایین	بالا
الجزیره	الجزایر	۳۹۵۰۰۰۰	پایین تا متوسط	بالا
ایبجان	ساحل عاج	۳۸۵۰۰۰۰	پایین	چشم‌گیر
پیونگ یانگ	کره شمالی	۳۵۵۰۰۰۰	پایین	بسیار بالا
چیتاگونگ	بنگلادش	۳۱۰۰۰۰۰	پایین	چشم‌گیر

منبع: شورت، ۱۳۹۶: ۱۰۳

جدول ۴. سیاه چاله‌ها

شهر	سرنانه درآمد ناخالص ملی (دلار آمریکا)	میزان ریسک پذیری
تهران	۱/۶۸۰	۱۶۲
داکا	۳۷۰	۱۴۱
خارطوم	۳۱۰	۱۸۱
کینشازا	۱۱۰	۱۸۲
لاهور	۴۴۰	۱۷۱
بغداد	در دسترس نیست	۱۸۲
رانگون	در دسترس نیست	۱۵۸
الجزیره	۱/۵۸۰	۱۵۱
ایبجان	۶۰۰	۱۴۱
پیونگ یانگ	در دسترس نیست	۱۷۸
چیتاگونگ	۳۷۰	۱۴۱

شورت بیان می‌کند: نوشتن درباره شهرنشینی بدون جهانی‌شدن مشروعیت ندارد، چون همه شهرها به نوعی در پیوندهای جهانی سهیم‌اند. شهرنشینی به همراه جهانی‌شدن گزینشی اقتصاد شاید اصطلاح دقیق‌تری باشد. شکل این جهانی‌شدن ممکن است به گونه جریان‌های مهاجرت و پول باشد، اما به شکل پیوند بین خدمات تولیدگر پیشرفته نیست (شورت ۱۳۹۶: ۴۸). فقر و هرج و مرج اجتماعی همه علت‌های نادیده گرفتن برخی از شهرها را تبیین نمی‌کند. این گونه از تحریم جهانی تا حدی نتیجه پرهیز از خطر سرمایه‌گذاران و در نتیجه نبود خدمات تولیدگر پیشرفته است. خطرسنجی‌های جهانی بسیار موجود است. از نظر شورت، خطرپذیری بالا شرکت‌ها را از برقراری پیوند می‌ترساند که این امر خود میزان خطر را بالا می‌برد. این داده‌ها، در جهت مقصود، خطی را در شبکه ارتباطات نشان می‌دهد که اوضاع و احوال قطع ارتباط جهانی را فراهم می‌کند. شورت، در جدول ۵، چهار گونه نهایی شهرهای بزرگ غیرجهان‌شهر را فهرست می‌کند. پیوندی آشکار بین این چهار نوع و درواقع بیشترین شهرهای فهرست‌شده در جدول ۵ موجود است که دارای عناصری از هر چهار نوع به صورت‌های متفاوت‌اند.

جدول ۵. گونه‌شناسی غیرجهان‌شهرهای بزرگ

شهر	نمونه
شهر فقیر	داکا، کینشازا، خارطوم
شهر فروپاشیده	کینشازا، خارطوم
شهر تحریم‌شده	بغداد، پیونگ یانگ
شهر مقاوم	تهران، پیونگ یانگ

منبع: شورت، ۱۳۹۶: ۱۰۶

همچنین، از نظر جان رنه شورت، شهرها به درجه‌های متفاوت با بقیه اعضای شبکه جهانی شهری پیوند برقرار می‌کنند. از نظر وی، لندن و نیویورک، به دلیل کارکرد مرکزیت داشتن در شبکه جهانی شهرها، ارتباط بیشتری با شهرهای دیگر دارند. شهرهای دیگر بسیار کوچک‌ترند، اما دارای پیوندیافتگی چشم‌گیری‌اند. لندن، نیویورک، هنگ کنگ، و سنگاپور کانون‌های مهم شبکه جهانی شهرها را به دست دارند. شهرها بیشتر از اقتصادهای ملی تحت تأثیر اقتصاد جهانی‌اند. جریان‌های شهری جهانی جزو مهم‌ترین سازوکارهای ساختگر بسط و گسترش توسعه‌نیافتگی است. سخن از

شهرهای جهان سوم بیشتر درباره انزوا و در حاشیه بودن است. پژوهشگران درباره «شهرهای جهان اول» «خدمات تولیدگر» و «مراکز مالی» را مطالعه می‌کنند. درحالی‌که تمرکز مسلط تحقیقات درباره «شهرهای جهان سوم» بر «ساکنان غیرقانونی» و «اقتصاد غیررسمی» است. علاوه بر شورت، اندیشمندان زیادی مفهوم شهر جهانی را در مورد نقش شهرهای خاص در سازمان جهانی‌سازی اقتصادی توسعه داده‌اند، مانند هایمر (۱۹۷۲)، کوهن (۱۹۸۱)، فریدمن و ولف (۱۹۸۲)، فریدمن (۱۹۸۶)، ساسن (۱۹۸۸، ۱۹۹۱)، تیلور (۲۰۰۶)، شورت و ... همان‌طور که ساسن می‌گوید: هنگامی که من برای اولین بار تحقیق خود را درباره اقتصاد جهانی آغاز کردم، اصلاً به شهرها فکر نمی‌کردم (ساسن، ۲۰۱۶: ۱۰۰). بنابراین، اقتصاد جهانی با شهرها گره خورده است.

نتیجه اینکه، شورت بیشتر بر شکاف‌های مفقوده توجه می‌کرد تا گره‌های مرتبط در شبکه‌ای ویژه از شهرهای جهان. از نظر وی، جهان‌شهرها جمعیت حاشیه‌نشین دارند و سیاه‌چاله‌ها نیز دارای نخبگان فراملی‌اند. فقر، فروپاشی اقتصادی و اجتماعی، تحریم و مقاومت را دلایلی برای وجود شهرهایی ذکر کرد که بسیار بزرگانند، اما پیوندهای اقتصادی جهانی ناچیزی دارند. درواقع، هیچ شهری به‌طور مطلق همهٔ خصیصه‌های پیشرفت را در خود شکوفا نمی‌کند و حتی شهرهای جهانی شناخته‌شده در نظام بین‌الملل هم از مسائل حاشیه‌ای و شهرهای غیرجهانی از مسائل مرکزی به دور نیستند. اما در بالفعل کردن پتانسیل‌های خود متفاوت عمل کرده‌اند.

اندیشهٔ پیترتیلور

پیتر جیمز تیلور^۱ برای جغرافیا یک نظریهٔ ساختارگرا ارائه کرد. وی سعی کرده است نظریهٔ نظام‌های جهانی والراشتاین را در مقیاس‌های جغرافیایی جهانی، ملی، و محلی اجرا کند که بیشتر تأکید وی بر جغرافیای سیاسی شهر است. وی بر آن است که گذار به سمت جهانی مدرن در قرن شانزدهم می‌تواند به‌عنوان یک تحول اجتماعی در روابط بین گروه‌های حاکم سیاسی و گروه‌های اقتصادی تجاری تفسیر شود. در سیستم‌های سنتی، این دو گروه به‌طور قطعی از هم تفکیک شده و به‌ترتیب سلسله‌مراتب ترتیب یافته بودند. با اهمیت‌یافتن تجارت، این سیستم‌های سنتی که توسط والراشتاین (۱۹۷۹) به‌عنوان امپراتوری‌های جهان تعریف می‌شدند، در سیستم مدرن به حکومت‌های دموکراتیک تعریف شده‌اند. به عبارت دیگر، اساس عملکرد بین گروه‌های سیاسی و اقتصادی از نظر والراشتاین اقتصاد جهانی نامیده می‌شود. در این سیستم قدرت نسبی گروه‌های سیاسی و اقتصادی متعادل‌تر است. روابطی دوجانبه وجود دارد که در امپراتوری‌های جهان یافت نمی‌شد. این تغییر عموماً به عنوان ظهور سوداگرایی؛ کشورهایی که برای تقویت سیاست‌های نظامی - سرزمینی خود درگیر سیاست‌های تجاری - اقتصادی‌اند، در قرن هفدهم و هجدهم میلادی خوانده می‌شود.

شهرنشینی در سطح گسترده برای اولین بار با یک «معجزهٔ اقتصادی» فلسفهٔ سیاسی مدرن را توسعه داد که فعالیت تجاری را تحسین می‌کرد. بنابراین، به‌طور خاص منافع اقتصادی شبکه‌های شهر را ارزیابی می‌کرد. تیلور و همکارانش از مفهوم «خوشهٔ شهری» برای بررسی فضای دو قطبی سیستم جهان مدرن با ساختار مرکز - پیرامون استفاده کردند. تمرکز بر روی شهرهای درون سیستم و چگونگی تأثیر آن‌ها در توسعه و افزایش توسعهٔ اقتصادی مشکل است. رویکرد آن‌ها یک مزیت بسیار مهم دارد: برآورد تعداد جمعیت شهرها در هر زمان و مکانی از سیستم مدرن جهان مقدور است. این فرصتی برای اندازه‌گیری کمی جامع تغییرات اجتماعی و تولید یک تحلیل مقایسه‌ای سفارشی از شهرها فراهم می‌کند. آن‌ها معتقدند: یک شهر با رشد سریع از نظر اقتصادی موفق است و بنابراین، جمعیت‌شناسی می‌تواند این موفقیت را در افق‌های زمانی و مکانی سیستم مدرن جهان ترسیم کند (تیلور و همکاران، ۲۰۱۵: ۳۹-۴۰). تیلور بیان

کرد: اکثر علوم اجتماعی مدرن، «شهرمحور» شده‌اند و جغرافیای سیاسی به این امر نباید بی‌توجه باشد. تیلور (۱۹۸۲)، در پژوهشی؛ یک مقیاس عمومی شناخته‌شده، یعنی «شهر» را برای ایجاد یک سازمان فضایی به‌عنوان اصل ضروری قرار می‌دهد. تیلور معتقد است سه مقیاس جهانی، ملی، و شهری مقیاس‌های حائز اهمیت‌اند که در آن‌ها اقتصادهای جهانی متجلی است. لایه وسط یعنی مقیاس ایدئولوژی تجربه روزانه انسان‌ها را در زندگی شهری از انباشت سرمایه در مقیاس جهانی جدا می‌کند. از نظر وی، مقیاس شهری (تجربه) مقیاسی است که ما زندگی روزانه خود را در آن سپری می‌کنیم. مقیاس تجربه به محل‌ها اعم از شهر و روستا اطلاق می‌شود. به اعتقاد تیلور، نظام‌های شهری به عنوان محل‌هایی تعریف می‌شوند که زندگی روزانه انسان‌ها در آن سپری می‌شود. نظام‌های شهری جایی است که به نفع نمایندگان محلی رأی می‌دهیم، به تغییرات محلی اعتراض کرده و سیاست عملی خود را طراحی می‌کنیم و با دولت محلی مواجه می‌شویم. بنابراین، در این اقدامات سیاسی، محیط‌های روزانه چیزی بیشتر از جایگاه‌هایی هستند که سیاست در آن‌ها پدیدار می‌شود. این بدان معناست که جغرافیا در این جغرافیای سیاسی محلی (یا شهری) به‌هیچ‌وجه ساکن و بی‌اثر نیست. به‌طور کلی، تیلور بیان می‌کند، در جغرافیای سیاسی، بنیادی‌ترین تصمیمات، در جاهایی گرفته می‌شوند که قدرت تمرکز دارد (در مقیاس ملی)، اما این تصمیمات در مقیاس محلی (شهری) تجربه می‌شوند و در نهایت، به ساختارهای متغیر اقتصاد جهانی راه پیدا می‌کنند (تیلور، ۲۰۰۶). شایان ذکر است، مهم‌ترین حوزه تأثیرگذاری تحقیقات تیلور بر جغرافیا، استدلال‌های وی با توجه به شهرهای جهانی، است. تیلور، مطرح می‌کند که متأسفانه کمبود داده‌های تحقیقاتی مانع از ارائه تعریف و تئوری خاصی در مورد شهرهای جهانی شده است. وی بر آن است که شهرهای جهانی سبب رشد اطلاعاتی، علمی، و خلاقیت بین‌بخشی بر اثر تولید کالاهای خدماتی جدید می‌شوند. این امر به خاطر فعالیت جهانی انحصار دانش در عرصه‌های اقتصادی است که تجارت از طریق آن‌ها شبکه‌ای در بین این گونه شهرها را به‌وجود می‌آورد (تیلور، ۲۰۰۴: ۱۷). تیلور معتقد است: جغرافیای سیاسی مدرن شهری که با مناقشات در شهر و اینکه موضوع «چه کسی چه چیزی را کجا به‌دست می‌آورد» ارتباط دارد همگی این محدودیت را دارند که با نواحی شهری به‌عنوان قلمروهای منزوی برخورد می‌کنند. مثل اینکه در فضا و زمان بدون هیچ بستر فضایی و افق زمانی این موضوع اتفاق می‌افتد. به‌طور کلی، جاذبه اصلی مطالعات شهری تیلور این است که بر این مشکل فائق آمده است و امور شهری را به‌طور قطع درون توسعه جاری سرمایه‌داری جهانی قرار می‌دهد (ذکی و ولی‌قلی‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۹).

همچنین، تیلور پدیده جغرافیای جهانی‌سازی شرکت‌ها یا همان «شهری‌شدن سیاره‌ای» را مطرح می‌کند (برنر، ۲۰۱۴: تیلور، ۲۰۱۷). وی معتقد است: در واقع، این دومین فرایند کلیدی جهانی است که شامل فراگیرشدن تقاضای شهری شدن در سراسر جهان است؛ به‌طوری که تمام محیط زمین در حال تبدیل شدن به «فضای شهری» است و در واقع تولید مثل فضای شهری در جریان است. دامنه این فرایند «شهری» فراتر از حد معمول است حتی شامل مناظر زباله‌های پلاستیکی اقیانوس آرام و به‌هم‌ریختگی استراتوسفر^۱ در اثر زباله‌های فضایی^۲ به‌طور کلی، تغییرات آب و هوایی انسانی است (تیلور، ۲۰۱۶: تیلور و همکاران ۲۰۱۷). در این بحث هیچ «روستایی» در مقابل «شهری» وجود ندارد، همه ما اکنون در یک شبکه یکپارچه شهری هستیم. علاوه بر این، شهری‌شدن سیاره‌ای، مفهوم شهرجهانی ساسن (۱۹۹۱)، استفاده از آن توسط کاستلز (۱۹۹۶) در جامعه جهانی شبکه‌ای و گسترش آن به یک شبکه شهرجهانی (تیلور، ۲۰۰۴) را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این مطالعات بر پایه اقتصاد جهانی و جهانی‌سازی شرکت‌هاست. اما روند شهری، مکان یا جریان را به‌عنوان مکانیزم تقاضای غیرقابل کنترل شهری بررسی نمی‌کند. شرکت‌ها کاملاً موجوداتی از شهرها هستند، وظیفه

1. the stratosphere's clutter
2. space debris

آن‌ها جلب رضایت و تولید است، به‌طور جمعی از هر قسمت از جهان استفاده می‌کنند. این کار آن‌ها از فضای شهری جهانی به طرق مختلف و متفاوت استفاده می‌کنند. مطمئناً شهرها به‌عنوان مناطق اداری محدودند، اختیار شهرداران به «مرز شهر» ختم می‌شود، اما قدرت شهرها سیاره‌ای است. شهرها طی فعالیت‌های بی‌شماری تولید و باعث ایجاد پیشرفت‌های زیادی می‌شوند. از نظر تیلور، کلان‌شهر بعد برجسته شهر است. این چیزی است که شهرنشینی را بسیار قدرتمند می‌کند. در واقع، مفهوم کلان‌شهر تعبیر خوبی برای «شهرهای پیشرو» نیست، بلکه جزئی از مراحل تشکیل شهر جهانی است که باید در سلسله‌مراتب مختلف شهری ایجاد شود. این مرحله برای ایجاد فرایند جهانی‌سازی شهر با اهمیت است تا اینکه جست‌وجوی مکان‌هایی به‌عنوان کلان‌شهرها. این مهم است زیرا شرکت‌های بزرگ، به‌ویژه بانک‌ها، ممکن است اغلب با «شهرهای جهانی» پیشرو در ارتباط باشند، اما قدرت آن‌ها بسیار بیشتر از شهری‌شدن سیاره‌ای است (تیلور، ۲۰۱۷: ۴-۵).

به‌طور کلی، مسائل مربوط به جهانی‌شدن، این امکان را برای تیلور به‌وجود آورده است که در سال‌های اخیر مطالعات خود را بر مقیاس شهری متمرکز کند. وی معتقد است مسئله مهم در مورد جهانی‌شدن معاصر مجبور بودن به انتخاب بین جهانی‌شدن و موضع حکومت‌محور است؛ اما او از چنین انتخابی امتناع می‌کند. وی، جهانی‌شدن را فقط یک گرایش در نظام جهانی در نظر می‌گیرد، جایی که حکومت‌ها برای بازتولید اجتماعی ضروری‌اند، اما فرایندهای فراحکومتی نیز وجود دارد. جهان‌شهرها آشکارترین مظهر فرایندهای فراحکومتی معاصرند. روابط بین شهرهای عمده و حکومت‌های معاصر همیشه امر پیچیده‌ای بوده است و وضعیت فعلی از این قاعده مستثنا نیست. به اعتقاد وی، یک جغرافیای سیاسی منحصر به فرد وجود دارد که موازیک سیاسی سنتی از قلمرو حکومت‌ها را با شبکه‌ای از شهرهای جهانی در یک تحلیل منفرد ادغام می‌کند (تیلور، ۲۰۰۰: ۶)، وی بر آن است که علوم اجتماعی فقط از طریق تحلیل نظام‌های جهانی می‌توانند به درستی درک کنند که چگونه محلی با جهانی تعامل می‌کند و جهانی‌شدن چه تأثیراتی در نهادهای حکومت دارد. او شهرهای جهانی را «قابل رؤیت‌ترین مظهر جهانی‌شدن» می‌نامد. مطالعات اخیر تیلور درباره شهرهای جهانی نقطه اوج دو حوزه از علاقه‌اش است: حوزه اول، مربوط به تاریخ رقابت بین نهادها و نخبگان مختلف برای قدرت فضایی است؛ حوزه دوم، در مورد ابعاد شبکه شهرهای جهانی است. به اعتقاد وی، شبکه جهانی معاصر شهرها یک زمینه نه تنها تجربی، بلکه به‌طور بالقوه قابل سنجش برای سه مقیاس فراهم می‌کند. طی سال‌های نوپایی نظام سرمایه‌داری، شهرها عمده‌ترین بازیگران بودند. شهرهایی مثل ونیز، مراکز سرمایه و قدرت و بنابراین نفوذ سیاسی بودند. حکومت‌ها با غصب اهمیت شهرها به وسیله ایجاد کنترل بر قلمرو به این روند پایان دادند. تا اوایل دهه ۱۹۷۰، بدون تردید حکومت‌ها عرصه اصلی بازی بودند (فضای مکان‌ها). از نظر تیلور، با شکل‌گیری فضای جریان‌ها، شهرهای جهانی دوباره در حال ظهور به‌عنوان برندگان در رقابت فضایی بر سر قدرت‌اند. فضای جریان‌ها در چارچوب پیوندهای بی‌شمار اقتصاد جهانی، روابط و اتصالاتی که در طول فضا و به موازات اقتصاد اطلاعاتی بنا شده نمود یافته و شکل گرفته است. با شکل‌گیری جهانی‌شدن معاصر و شبکه‌هایی که با استفاده از تکنولوژی ارتباطات شکل گرفته‌اند، برای شهرها این امکان به‌وجود آمده که در پیوند با شبکه‌ها وارد عرصه فضای جریان‌ها شده، درون شبکه جایگاهی را برای خود در اقتصاد جهانی کسب کنند. این جایگاه می‌تواند اهمیت شهرها را در اقتصاد جهانی تعیین کند. از نظر تیلور، فضای جریان‌ها شامل دو سطح عمده است: نخست سطح زیرساختی؛ جهانی کابلی شده است که تجهیزات سخت افزاری را به تجهیزات نرم‌افزاری پیوند می‌دهد و ارسال الکترونیکی اطلاعات را به سراسر جهان ممکن می‌کند. در این سطح، گره‌های شبکه ساختارهای مکانی‌اند که در شهرها تبلور می‌یابند؛ دوم سطح سازمانی؛ الگوهای اجتماعی پیوندها میان مردم و نهادهایی است که عملکرد جامعه شبکه‌ای را ممکن می‌کند (قورچی و مالکی، ۱۳۸۹: ۴۷-۴۹). تیلور در کتاب *شبکه شهرهای کروی*

(۲۰۰۴) به ارائه دیدگاه‌های خود درباره اهمیت «فضای جریان‌ها» و «شهرهای کروی» در آغاز هزاره سوم پرداخته است. این رویکرد نوین وی در جغرافیای سیاسی به ارائه نقشه‌های جدیدی از جهان منجر شده است که نشان‌دهنده اقتصاد جهانی در آغاز هزاره و نحوه توزیع قدرت در میان شهرهای کروی است. بر همین اساس، اهمیت و قدرت کشورها نیز به لحاظ ژئوپلیتیکی طبقه‌بندی شده است. تیلور معتقد است در عصر اطلاعات، دانش بیش از هر زمانی نشان‌دهنده قدرت است که آن نیز در شهرهای کروی جای گرفته است. تیلور در یک تحلیل ماتریسی از شهرهای کروی، آن‌ها را بر مبنای آلفا، بتا، و گاما^۱ دسته‌بندی کرده است. این دسته‌بندی نشان می‌دهد که امروزه یک تصویر نابرابر از جهانی شدن به وجود آمده است که آشکارا می‌تواند به وسیله شهرهای کروی که به مکان‌ها جایگاه ویژه‌ای در فرایند جهانی شدن بخشیده‌اند، به نمایش گذاشته شود. هم‌اکنون براساس این رویکرد سه منطقه از جهان را می‌توان شناسایی کرد که در ارتباط با جهانی شدن معاصر جایگاهی برتر در نظام ژئوپلیتیکی جهان یافته‌اند. این مناطق عبارت‌اند از: امریکای شمالی، اروپای غربی، و اقیانوس آرام آسیا. در مقابل مناطقی همچون قاره آفریقا، بخشی از آسیای مرکزی، و قسمتی از آسیای جنوب غربی وجود دارند که در حال حاشیه‌ای شدن‌اند، چون نقاط شهری این مناطق نقشی در اقتصاد اطلاعاتی ندارند (قورچی، ۱۳۸۵: ۶۵-۶۸).

به‌طور کلی، از نظر تیلور بین شهرجهانی و جهان‌شهر تفاوت وجود دارد. شهرهای جهانی بسیار بزرگ‌اند، اما همه شهرهای بزرگ شهرهای کروی نیستند. «شهرجهانی» شهری است که در سطح جهانی در یک حوزه خاص دارای اهمیت و اعتبار باشد. این اعتبار، علاوه بر اینکه مستلزم دارا بودن امکانات زیربنایی و ارتباطی مدرن است، می‌تواند در یکی از حوزه‌های تأثیرگذار بر تعاملات بین‌المللی از جمله اقتصاد، فرهنگ، سیاست و مانند آن باشد. کلان‌شهرها به محض اینکه در اقتصاد جهانی پست‌فوردیسم جایگاهی را به خود اختصاص می‌دهند و به‌عنوان یکی از گره‌های شبکه اقتصاد جهانی به نقش‌آفرینی می‌پردازند، از کلان‌شهرها به وضعیت «شهرجهانی» ارتقا می‌یابند. از هر چندین ده «شهرجهانی»، شهری که در رقابت با سایر شهرهای جهانی بالاترین میزان فعالیت در اقتصاد جهانی را به‌دست می‌آورد و به‌عنوان یک مکان مرکزی به نقش‌آفرینی می‌پردازد از شهرجهانی به «شهر کروی» تغییر وضعیت می‌دهد. تیلور بر آن است که «شهرهای کروی بایستی به‌عنوان شهرهایی پیشرو شناخته شوند که رأس الگوهای سلسله‌مراتبی نظام شهری جهانی را اشغال کرده‌اند». این شهرها به‌سبب جریان‌هایی که از آن‌ها می‌گذرد ثروت، کنترل، و قدرت را در خود متمرکز و حفظ می‌کنند. بنابراین، شهرهای کروی به معنای تعلق داشتن به اقتصاد جهانی و رهایی از قید و بندهای اقتصاد ملی است (پورموسوی و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۳-۵۳). از نظر تیلور، «کلان‌شهر» در جهان قرون وسطی اروپا بیانگر اوج قدرت مذهبی است؛ در جهان مدرن بیانگر اوج قدرت شرکت‌هاست. اما تیلور با شناسایی «کلان‌شهرها» (معروف به شهرهای جهانی) بر روی مکان تمرکز نخواهد کرد (تیلور، ۲۰۱۷: ۴-۵). هر کلان‌شهری که در سطح بین‌المللی یا جهانی در یکی از حوزه‌های اقتصاد، فرهنگ، و سیاست بتواند تأثیرگذار باشد و به‌عنوان یک مرکز و قطب برتر کارکردهایی نظیر فرماندهی، سلطه، و کنترل بین‌المللی در فضای ژئوپلیتیکی خود (در سطح منطقه‌ای بزرگ مانند هنگ‌کنگ در جنوب شرقی آسیا یا میامی در امریکای لاتین) را بر عهده گیرد دارای منزلت شهر جهانی است. تیلور بر آن است که شبکه شهرهای جهانی اغلب در مطالعات علوم اجتماعی مربوط به جهانی‌شدن نادیده گرفته شده است. وی علاقه‌مند به مطالعه شهرها به‌عنوان واحدهای به‌هم‌پیوسته (انبوه و متراکم)- اشتباهی که نظریه‌پردازان نظام‌های جهانی علوم اجتماعی انجام

۱. رتبه «آلفا» بدین معناست که شهر «مرکز نخست» برای شرکت‌های تولیدی خدماتی است. این در حالی است که «بتا» و «گاما» به‌ترتیب به «مراکز عمده و خرد» برای این شرکت‌ها اشاره دارند. «شواهدی برای جهانی‌شدن» یا «شهرهای جهانی در حال شکل‌گیری» اختصاص به سطوحی پایین‌تر از سه وضعیت یادشده دارد. این رتبه‌بندی بر اساس یک ارزیابی تجربی از موقعیت‌های دفاتر شرکت‌های چندملیتی مالی، تبلیغاتی، بانکی، و حقوقی است.

می‌دهند. نیست. وی ترجیح می‌دهد شهرهای جهانی را با توجه به سیال بودن قدرت بین شهرهای جهانی و اینکه آن‌ها چگونه هم با مقیاس ایدئولوژی (حکومت) هم با مقیاس واقعیت (اقتصاد جهانی) درون نظام جهانی تعامل برقرار می‌کنند، در یک رویکرد کلی، در نظر بگیرد. از نظر وی، شبکه شهرهای جهانی برتر و بالاتر از دیگر مقیاس‌ها بوده‌اند. او با رد ادعای برخی حامیان جهانی شدن، که حکومت‌ها به‌طور کامل در حال فرسایش‌اند، جهانی شدن را تغییر نقش نهادی حکومت می‌بیند. مطالعه شهرهای جهانی و تحلیل نظام‌های جهانی نشان می‌دهد که با اینکه حکومت در جهان همچنان قدرت دارد، بیشتر از این نمی‌تواند واقعیت اجتماعی ما را محدود کند. بنابراین، با توجه به تحقیقات و مطالعات انجام گرفته توسط این جغرافی‌دان بزرگ، به‌صراحت می‌توان به نقش شهرهای جهانی در نظام جهانی پی برد و دریافت که بسیاری از پیشرفت‌های ملی، رقابت‌های بازیگران، و حتی نزاع و درگیری‌ها در عرصه‌های مختلف برای رسیدن به قدرت ملی و بین‌المللی با بازیگری همین شهرهای قدرتمند (شهرهای جهانی) است و اعتلا یا عدم اعتلای جایگاه بسیاری از کشورها در نظام جهانی پیرو نقش شهرهایشان است. همچنین، این تحقیقات مباحثات بسیاری را برانگیخته است که به آن‌ها اشاره می‌شود: اولاً، کانون توجه فقط بر «شهرهای جهانی فوق بزرگ» است و بسیاری از شهرهای جهانی شده یا شهرهای جهانی در حال ظهور در این مطالعات جایگاهی ندارند. از آنجا که تفاوت‌هایی در کارکرد دولت‌ها وجود دارد، مسیری که شهری مانند نیویورک برای جهانی شدن خواهد پیمود متفاوت‌تر از شهرهایی نظیر توکیو و لندن خواهد بود؛ ثانیاً، تحقیقات بیشتری که در قالب تاریخی و ویژگی‌های جغرافیایی باشند باید صورت گیرد. همچنین، سؤالات بی‌جواب بسیاری در این مورد که چگونه یک شهر می‌تواند تبدیل به شهری جهانی شود بی‌پاسخ مانده‌اند و باید جواب داده شوند. به‌طور خلاصه، بر اساس تئوری‌های «پیدایش» و «جهانی‌شدن» شهرها، باید جوابی برای سؤال «چگونه می‌توان شهرجهانی شد» یافت و فرایندهای شهرجهانی‌شدن را تبیین کرد. شهرجهانی وضعیتی سودمند دارد و به همین سبب است که گروه‌های زیادی سعی در طبقه‌بندی و رتبه‌بندی شهرهای جهانی و غیرجهانی دارند. اگرچه اختلافات بین دو رویکرد بررسی‌های شهری تحت شرایط جهانی‌سازی معاصر مورد تأکید قرار گرفته است، آن‌ها دارای یک ویژگی مهم‌اند که معمولاً در بسیاری از دانش‌های معاصر وجود دارد: رفتار بی‌سابقه با شرایط کنونی بشریت. برای شهری شدن سیاره‌ای (جهان‌شهر)، ادعای منحصربه‌فرد اصلی استدلال می‌کند که ما در حال تجربه فرایند شهری شدن هستیم و شهری شدن فرایندی است که در هزاره‌ها و نه قرن‌ها اندازه‌گیری می‌شود. بنابراین، با گذشت زمان، شهرهای ماقبل مدرن با آنچه فاقد آن بودند، می‌توانند به‌طور گسترده مقابله کنند (تیلور، ۲۰۱۶؛ تیلور و همکاران، ۲۰۱۷). بنابراین، یکی از مهم‌ترین ابعاد و مؤلفه‌های جهانی شدن که در میان جغرافی‌دانان سیاسی مطالعه شده است شهرهای جهانی است. نظریه‌های تیلور و رنه شورت به‌خوبی نشان می‌دهد شهرهایی که در شبکه و فرایند جهانی‌شدن‌اند و درون نظام جهانی دارای نقش اساسی‌اند عمدتاً در اروپای غربی، امریکای شمالی، و آسیای شرقی قرار دارند. و اکثر سیاه‌چاله‌های شهری در آسیا و افریقا و امریکای لاتین واقع شده‌اند. شهرهای جهانی چون که تصمیم‌ساز، الگوساز، فعال، قدرتمند، ثروتمند، و جذب‌کننده نخبگان علمی، اقتصادی، و حرفه‌ای‌اند نقش پُررنگی در نظام جهانی ایفا می‌کنند. در واقع، نقش شهرهای جهانی در اعمال قدرت اقتصادی به‌طور رضایت‌بخشی در درک آن‌ها تأثیر داشته است. مطابق با تحقیقات کمی GaWC شبکه جهانی شهر از بیش از ۵۰۰ شهر در سراسر جهان تشکیل شده است (تیلور و درودر، ۲۰۱۶؛ پارتینتر، ۲۰۱۷) و اما سیاه‌چاله یا غیر جهان‌شهرهای فقیر و نخبه‌گریز که در حاشیه نظام جهانی قرار دارند نقش بی‌رنگ یا کم‌رنگی در تغییر و تحولات جهانی دارند. درست است که شهرهای جهانی فرایندهای جهانی و بازار اقتصاد حتی سیاست‌های جهانی را کنترل و مدیریت می‌کنند، با مفهوم آزادی و گردش سرمایه و اطلاعات و کالا در تناقض است و همین شهرها که در اثر جهانی شدن پدید آمده‌اند برخی مؤلفه‌های جهانی شدن را مورد تنگنا قرار می‌دهند. پس گام اول ایجاد شهرهای جهانی با

فرایند جهانی شدن برداشته می‌شود، ولی گام‌های بعد (توسعه و گسترش) تحت تأثیر فعالیت‌ها و تصمیمات حکومت‌ها هستند. فراهم کردن زیرساخت‌های ارتباطی، فعالیت شرکت‌های چندملیتی، گسترش شبکه‌های اینترنتی و حمل و نقل و غیره محصول اراده و تصمیم دولت و حکومت‌های ملی است که در رشد شهرها و تبدیل آن‌ها به شهرهای جهانی حائز اهمیت است و کشورهای در حال توسعه باید با توجه به نقش اساسی شهرهای جهانی در نظام جهانی سعی در بالابردن وزن ژئوپلیتیک و قدرت شهرهای خود کنند. چون رسیدن به توسعه‌یافتگی منوط به نقش شهرهای آن‌هاست.

نتیجه‌گیری

در قرن بیست و یکم، شهرها کانون‌های قدرت جهانی‌اند و با کنترل رویدادها در مقیاس‌های جغرافیایی گوناگون وارد فرایند رقابت می‌شوند. در این راستا، جغرافی‌دانان سیاسی، بیش از هر چیز بر موضوعاتی مانند بُعد سیاسی فضای شهری، شهروندان، حکومت محلی، سامان‌دهی، و اقتصاد شهری و جهان‌شهرها تأکید می‌کنند. تیلور و رنه شورت، دو تن از مشهورترین جغرافی‌دانان سیاسی معاصر، آرا و تحلیل‌های مهمی درباره‌ی شهر با تأکید بر جهانی‌شدن و اقتصاد ارائه داده‌اند.

جان رنه شورت بیان می‌کند، به‌رغم پراکندگی کند در طول سی سال گذشته، سهم بزرگی از کارکردهای فرماندهی همچنان فقط در چند شهر متمرکز است و همچنین بیش از آنکه الگویی از رقابت بین جهان‌شهرها را برای سلطه بر جهان در ذهن آوریم، دقیق‌تر آن است که شبکه‌ای از جهان‌شهرها را مورد توجه قرار دهیم که در آن نظارت و سلطه اقتصادی فقط در چند شهر متمرکز است، جایگاه غیرجهان شهری تا حد زیادی بازتاب فقر است. برخی شهرها، به‌رغم اندازه‌شان، چنان فقیرند که بازاری برای خدمات تولیدگر پیشرفته عرضه نمی‌کنند. آن‌ها، با توجه به جمعیت بسیار زیاد اما نبود مصرف‌کنندگان مرفه یا مجموعه‌های صنعتی برای پشتیبانی از خدمات تولیدگر پیچیده، سیاه‌چاله‌های سرمایه‌داری پیشرفته جهانی‌اند. نیویورک، لندن، و توکیو همچنان مراکز تجمع کارکردهای فرماندهی اقتصاد جهانی‌اند. این سه شهر بیشترین فعالیت‌های داد و ستد در بازارهای بورس سراسر جهان را به خود اختصاص می‌دهند. پایین‌تر از این سه شهر بزرگ جهانی، مراکز فرماندهی ملی در کشورهای منفرد همچون نقطه اصلی نفوذ سرمایه جهانی عمل می‌کنند. بنابراین، در عین اینکه سه شهر بزرگ جهانی موجود است، مراکز جهانی ملی همچون سیدنی نیز هست که دارای چند مرکز فرماندهی جهانی به شکل دفترهای ریاست بانک‌ها و شرکت‌های جهانی است و تعداد بسیاری از دفاتر منطقه‌ای و محلی شرکت‌های جهانی.

تیلور بر آن است که سه مقیاس جهانی، ملی، و شهری مقیاس‌های حائز اهمیت هستند که در آن‌ها اقتصادهای جهانی متجلی است. به‌طور کلی، جاذبه اصلی مطالعات شهری تیلور این است که بر این مشکل فائق آمده است و امور شهری را به‌طور قطع درون توسعه جاری سرمایه‌داری جهانی قرار می‌دهد. تیلور در یک تحلیل ماتریسی از شهرهای کروی آن‌ها را بر مبنای آلفا، بتا، و گاما دسته‌بندی کرده است. این دسته‌بندی نشان می‌دهد که امروزه تصویری نابرابر از جهانی‌شدن به‌وجود آمده است که آشکارا می‌تواند به‌وسیله شهرهای کروی، که به مکان‌ها جایگاه ویژه‌ای در فرایند جهانی‌شدن بخشیده‌اند، به‌نمایش گذاشته شود. هم‌اکنون براساس این رویکرد، سه منطقه از جهان را می‌توان شناسایی کرد که در ارتباط با جهانی‌شدن معاصر جایگاهی برتر در نظام ژئوپلیتیکی جهان یافته‌اند. این مناطق عبارت‌اند از: امریکای شمالی، اروپای غربی، و اقیانوس آرام آسیا. در مقابل مناطقی همچون قاره آفریقا، بخشی از آسیای مرکزی، و قسمتی از آسیای جنوب غربی وجود دارند که در حال حاشیه‌ای‌شدن‌اند، چون نقاط شهری این مناطق نقشی در اقتصاد اطلاعاتی ندارند. بنابراین، شهرهای جهانی در جایگاه پدیده‌هایی مدرن معرف جایگاه و نقش دولت-ملت‌ها در روند

توسعه تعاملات و مناسبات اقتصادی و سیاسی‌اند. امروزه، با طرح الگوهای جدید و راهبردهای کارساز برای سازمان‌دهی فضای شهری و افزایش نقش سیاسی و استراتژیک شهرها، شهرها و به‌ویژه شهرهای جهانی به کانون مطالعات در جغرافیای سیاسی تبدیل شده‌اند و به‌عنوان بازیگران اساسی در نظام بین‌الملل به ایفای نقش می‌پردازند. بنابراین، دولت‌های ملی، در تلاش‌اند تا میزبانی شهرهای جهانی را عهده‌دار باشند.

منابع

۱. پورموسوی، سیدموسی؛ قورچی، مرتضی و رستمی، قهرمان، ۱۳۹۰، تبیین ژئوپلیتیکی کلان‌شهرهای جهانی، فصل‌نامه ژئوپلیتیک، ش ۷، ۱.
۲. رضازاده، راضیه و سلسله، علی، ۱۳۸۹، مروری بر سیاست‌های توسعه پایدار محله‌ای با رویکرد دارایی مینا و تأکید بر سرمایه‌های اجتماعی و کالبدی، فصل‌نامه دانشگاه هنر، ش ۴.
۳. جانستون، ار. جی؛ تیلور، پیتر و واتس، مایکل، ۱۳۸۳، جغرافیاهای تحول جهانی، ترجمه نسرين نوریان، تهران: دوره عالی جنگ.
۴. جونز، مارتین؛ جونز، رایس و وودز، مایکل، ۱۳۸۶، مقدمه‌ای بر جغرافیای سیاسی، ترجمه زهرا پیشگاهی فرد و رسول اکبری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۵. کامران، حسن؛ بدیعی، مرجان؛ ذکی، یاشار؛ احمدی، سیدعباس و حسینی، نرجس، ۱۳۹۷، مطالعه شهر در جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک با تأکید بر نظر گاتمن و کاکس، فصل‌نامه بین‌المللی انجمن جغرافیایی ایران، ش ۵۶.
۶. کامران، حسن؛ بدیعی، مرجان و حسینی، نرجس، ۱۳۹۷، جغرافیای سیاسی شهر، چسبیتی و چرایی، فصل‌نامه بین‌المللی انجمن جغرافیایی ایران، ش ۵۸.
۷. هاروی، دیوید، ۱۳۸۷، شهری‌شدن سرمایه، ترجمه عارف اقوامی مقدم، تهران: نشر اختران.
۸. حسینی، نرجس، ۱۳۹۷، تبیین پدیده شهر در جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک، رساله جهت اخذ مدرک دکترا، دانشگاه تهران.
۹. قورچی، مرتضی، ۱۳۸۵، فضای جریان‌ها و شکل‌گیری بنیادگرایی در شرق افریقا، فصل‌نامه راهبرد، ش ۴۱.
۱۰. قورچی، مرتضی و مالکی، جواد، ۱۳۸۹، رقابت کلان‌شهرها در عرصه‌های فراملی با استفاده از ابزار استراتژی‌یابی، فصل‌نامه اقتصاد شهر، ش ۷.
۱۱. مجتهدزاده، پیروز، ۱۳۹۲، جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، تهران: سمت.
۱۲. مویر، ریچارد، ۱۳۷۹، دیدگاه‌های نو در جغرافیای سیاسی، ترجمه دره میرحیدر، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
۱۳. محمدی، محمود و شاه‌یونیدی، احمد، ۱۳۹۷، ارزیابی اثرات رقابت‌پذیری بر دگرگونی شبکه شهری به کمک روش تحلیل شبکه اجتماعی، فصل‌نامه اقتصاد و مدیریت شهری، ۱۷(۱): ۱-۲۲.
۱۴. صادقی، محمد؛ ربیعی، حسین؛ قورچی، مرتضی و عبدی، عطالله، ۱۳۹۹، تبیین نقش اقتصاد سرمایه‌داری و فضای جریان‌ها در ظهور و نقش آفرینی شهرهای جهانی، فصل‌نامه ژئوپلیتیک، ۱۶(۱): ۱۱۰-۱۳۷.
۱۵. ویسی، هادی، ۱۳۹۴، مفاهیم و نظریه‌های جغرافیای سیاسی، تهران: سمت.
۱۶. شورت، جان رنه، ۱۳۹۶، کلان‌شهرهای جهانی، ترجمه مهدی داوودی، انتشارات پاپلی.
۱۷. روسی، یوگو و وانولو، آربرتو، ۱۳۹۵، جغرافیاهای سیاسی شهر، ترجمه علی ولی‌قلی‌زاده و مهدی کریمی، انتشارات دانشگاه مراغه.
۱۸. ذکی، یاشار و ولی‌قلی‌زاده، علی، ۱۳۹۲، مقیاس‌های فضایی در جغرافیای سیاسی، تهران: دانشگاه تهران.
19. Agnew, J., 2002, *Making political Geography*, New York: Oxford University press.
20. Brenner, N., 2014, *Implosions/Explosions: Towards a Study of planetary Urbanization*. Berlin: Jovis.
21. Flint, C., 2008, *Introduction to Geopolitics*, London: Rutledge.
22. Friedman, J., 1995, Where We Stand? A Decade Of World City Research, *In World Cities In A World-System*, Edited By P.L. Knox and P. J. Taylor, 21-47. Cambridge: Cambridge University Press.
23. Pourmousavi, S.; Ghourchi, M. and Rostami, G., 2011, The geopolitical description of the cities of the cities of the world, *Geopolitical Quarterly*, Seventh Edition, No. 1. (In persian).

24. Rezazadeh, R. and Selsele, A., 2010, Review of Sustainable Neighborhood Policy With the basis of asset-based approach and emphasis on social and physical resources, *Quarterly Journal of the University of Art*, No. 4, pp. 121-139. (In persian).
25. Jennoston, A.; Taylor, P. and Watts, M., 2004, Transformational Geographies, Translator, Nasrin Nourian, Tehran: Superior War, (In persian).
26. Jones, M.; Jones, R. and Woods, M., 2007, *An Introduction to Political Geography*, Translated by Zahra Eshkah Fard and Rasoul Akbari, Tehran University Press. (In persian).
27. Kamran, H.; Badie, M.; Zaki, Y.; Ahmadi, A. and Hosseini, N., 2018 A, Study of the City in Geopolitics and Political Geography with Emphasis on Gutman & Cox Theory, Tehran: *Quarterly Journal of the Geographical Society*, No. 56. (In persian).
28. Kamran, H.; Badiei, M. and Hosseini, N., ۲۰۱۸ B, Political Geography of the City, Chisite and Cheraei, *International Journal of Geographical Society*, No. 58. (In persian).
29. Harvey, David, 2008, *Urbanization of Capital*, Translation by Aref Aqvami Moghadam, Tehran: Akhtaran Publishin. (In persian).
30. Hosseini, Narjes, 2018, *The description of the city's phenomenon in political geoghrapy and geopolitical geography*. Thesis for Ph.D., University of Tehran. (In persian).
31. Ghourchi, Morteza, 2006, The Stream of Space and the Formation of Fundamentalism in East Africa, *Strategy Rahbord*, No. 41. (In persian).
32. Ghourchi, M. and Maliki, J., 2010, Metropolitan Competition in Transnational Areas Using Strategic Strategies, *The City Economy*, No. 7. (In persian).
33. Mojtahedzadeh, P., 2013, *Geography of politics and geography*, Tehran: Samt. (In persian).
34. Muir, Richard, 2000, *New perspectives on political geography, translation of Mirrahidar valley*, Geographic organization of armed forces publication, Tehran. (In persian).
35. Mohammadi, Mahmoud and Shahivandi, Ahmad, 2018, Evaluating the effects of competitiveness on urban network transformation using social network analysis method, *Quarterly Journal of Urban Economics and Management*, 7 (1): 1-22. (In persian).
36. Parnreiter, C., 2017, Global cities and the geographical transfer of value, *Urban Studies*, 56(1): 81-96.
37. Sassen, S., 2016, The global city: Enabling economic intermediation and bearing its costs. *City & Community*, 15(2): 97-108.
38. Sadeghi, Mohammad; Rabiee, Hossein; Ghorchi, Morteza and Abdi, Ataullah, 2020, Explaining the Role of Capitalist Economics and Current Space in the Emergence and Role of Global Cities, *Geopolitical Quarterly*, 16 (1): 110-137. (In persian).
39. Vaysi, Hadi, 2015, *Concepts and theories of political geography*, Tehran: Samt. (In persian).
40. Short, John Renee, 2017, *Metropolitan World*, Translator Mehdi Davoodi, Papoli Publications. (In persian).
41. Short, J., 2003, *The Urban Order: An Introduction To Cities, Culture, and Power*. New York: Routledge.
42. Short, J., 2004, *Global Metropolitan: Globalizing Cities In A Capitalist World*, Rutledge Publishers.
43. Short, Jo and Kim, Y., 2007, *Globalization And The City*, New York: Routledge.
44. Short, J., 2007, *World Metropolis*, Translator Mehdi Davoodi, Papeli Publications. (In persian).
45. Taylor, P. J., 2000, World cities and territorial states under condition of contemporary globalization. *Political Geography*, 19(1): 5-32.
46. Taylor, P.J. and Flint, C., 2000, *Political geography: World – Economy, nation- state, and locality*. Fourth Edition, New York: Prentice Hall.
47. Taylor, P. J., 2001, A New Mapping Of The World For The New Millennium, *The Geographical Journal*, 167: 213-222.
48. Taylor, P. J., 2004, *World City Network- A Global Urban Analysis*, New York, Routledge
49. Taylor, P. J., 2006, Radical political Geography. In J. Agnew, k. Mitchell & G. Toal (eds), *A Companion to political geography* (47-56), third Edition, London: Blakwell Publishing.
50. Taylor, P. J., 2007, 25 years of political Geography in a changing political world: A brief personal memoir. *Political Geography*, 26(1).
51. Taylor, P. J., 2008, *The geography of uneven development*. London: SAGE Publication Ltd.

52. Taylor, P. J.; Hoyler, M. and Smith, D., 2015, *Cities in the Core-Periphery Economic Structure of the Modern World-System: Polarization or Convergence? The World is Out of Joint: World-Historical Interpretations of Continuing Polarizations* Boulder, CO: Paradigm Publishers, pp. 39-53.
53. Taylor, P.J., 2016, Cities in climate change, *International Journal of Urban Sciences*, 20, DOI: 10.1080/12265934.2016.1228473
54. Taylor, P.J and Derudder, B., 2016, *World City Network: A Global Urban Analysis*. 2nd edn. New York: Routledge.
55. Taylor, P. J., 2017, Geohistory of globalizations, *ProtoSociology*, No. 34, DOI: 10.5840/protosociology2016336
56. Taylor, P. J.; O'Brien, G. and O'Keefe, P., 2017, Anthropogenic Climate Change is Urban not Modern: Towards an Alternate Critical Urban Geography. *An International Journal for Critical Geographies*, 16 (4): 781-803.
57. Taylor, P., 2017, The new political geography of corporate globalization, *L'Espace Politique* [En ligne], 32 | 2017-2, mis en ligne le 14 septembre 2017, URL; DOI: <https://doi.org/10.4000/espacepolitique.4330>
58. Timberlake, Michael; Yehua, D.; Wei, Xiulian Ma and Jianmei, Hao, 2014, Global Cities With Chinese Characteristics, *Cities*, 41(B): 162-170.
59. Russi, Y. and Vanovu, A., 2016, *Political geography of the city*, Translation by Ali Vulghizadeh and Mehdi Karimi, Maragheh University Press.
60. Zaki, Y. and Valigholizadeh, A., 2013, *Space scales in political geography*, Tehran: Tehran University. (In persian).